

مقدمه

در طول سالیان متمادی تاکنون، سیاست‌های قضایی کشور مبتنی بر جرم‌نگاری‌های زیاد و عدم مسامحه با مجرمین بوده است. به‌موجب همین سیاست‌ها، زندان‌های کشور مملو از زندانیان شده تا آنجا که بیش از ظرفیت فعلی زندان‌ها، زندانی وجود دارد که همین امر باعث بروز مشکلاتی برای زندانیان و دستگاه قضایی گردیده است.

در سال ۱۳۹۸ طرحی در مجلس دهم شورای اسلامی مطرح شد که تغییرات نسبتاً گسترده‌ای در قوانین کیفری ایجاد می‌نمود. این طرح در ابتدا با عنوان «طرح تقلیل مجازات حبس تعزیری» با ۱۹ ماده از سوی نمایندگان مجلس تدوین و ارائه شده بود که پس از تصویب به شورای نگهبان ارسال گردید؛ ولی در آنجا با ایراداتی مواجه شد که در نوع خود قابل توجه بود. پس از آن با وقفه‌ای چندماهه و رفع ایرادات شورای نگهبان، در روزهای پایانی مجلس دهم در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ این طرح با ۱۵ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. شورای نگهبان در بررسی مجدد، طرح را مغایر با قانون اساسی و شرع ندانست و آن را تأیید نمود و به قانون تبدیل گردید. در نهایت پس از طی شدن فرایند ابلاغ، این قانون در تاریخ یازدهم تیرماه ۱۳۹۹ به اجرا درآمد؛ با این‌همه، مشکلاتی در این قانون همچنان وجود دارد که نیازمند بررسی است.

نقد مقدمه توجیهی طرح

در مقدمه توجیهی طرح «تقلیل مجازات حبس تعزیری» مصوب آبان ۱۳۹۸ که با ایراداتی از شورای نگهبان مواجه شد، ضرورت بازنگری در مجازات‌ها، تقلیل جمعیت زندانیان و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی مربوط به اداره زندانیان و همچنین فقدان ملاک قضایی و منطبق حقوقی در تعیین مجازات حبس تعزیری برای جرائم مختلف و عدم انطباق مجازات حبس با احکام شرعی و نداشتن سابقه در حکومت اسلامی عصر پیامبر (ص) از علل لزوم تصویب این طرح بیان شد. درباره «فقدان ملاک قضایی و منطبق حقوقی در خصوص تعیین مجازات حبس تعزیری» به‌عنوان یکی از دلایل مطرح‌شده در مقدمه توجیهی باید گفت این ایراد به خود طرح نیز وارد است؛ زیرا

۹۹ عنوان قانون یادشده، «کاهش مجازات حبس تعزیری» است؛ عنوان مستقلی که بر عناوین قانون افزوده شده، با سیاست‌های تقنینی مجلس شورای اسلامی، مقرر در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹، مغایرت دارد و تورم قوانین را در پی دارد. ۶۶

مشخص نیست بر اساس چه معیار و محاسبه‌ای چنین حکم کلی و موسعی در خصوص تمامی جرائم پیش‌بینی شده است.

از دیگر دلایل ذکرشده، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی مربوط به اداره زندانیان بوده است. این امر مستلزم انجام کار آماری دقیق، طبقه‌بندی و دسته‌بندی مرتکبین جرائم مختلف است تا بتواند میزان احتمالی کاهش زندانیان را پس از اجرائی شدن این طرح پیش‌بینی کند. به‌منظور ارائه چنین طرحی، باید هزینه‌های کنونی برآورد می‌شد و تخمینی از نتایج اجرائی و میزان هزینه‌هایی که در آن‌ها صرفه‌جویی خواهد شد، به عمل می‌آمد که در این طرح چنین محاسبه‌ای مشاهده نگردید. تغییرات و اصلاحات قوانین کیفری بدون وجود چنین پژوهش‌های آماری می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری را در نگرش افکار عمومی به‌طور خاص نسبت به فرایند تقنین و شکل حکمرانی به‌صورت کلی به همراه داشته باشد. علی‌رغم تبعات منفی و گسترده مجازات حبس و لزوم حرکت به‌سوی سیاست‌های حبس‌زدایی مطابق با سیاست‌های کلی قضایی، هرگونه بازنگری در قوانین موجود با هدف کاستن از جمعیت زندان‌ها مستلزم انجام مطالعات دقیق و مبتنی بر آمار و ضابطه است.

نقد عنوان قانون

عنوان قانون یادشده، «کاهش مجازات حبس تعزیری» است؛ عنوان مستقلی که بر عناوین قانون افزوده شده، با سیاست‌های تقنینی مجلس شورای اسلامی، مقرر در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹، مغایرت دارد و تورم قوانین را در پی دارد. از دیگر مشکلات این عنوان، مغایرت آن با

مواد مندرج در خود قانون است. کاهش مجازات در عنوان به‌صورت مطلق ذکر شده است ولی در برخی موارد توسعه مجازات را شاهد هستیم. برای مثال، پیش از این، مجازات تکمیلی اختصاص به جرم درجه ۱ الی ۶ داشت؛ ولی در این قانون، مجازات تکمیلی به کلیه درجات مجازات‌ها توسعه پیدا کرده است.

با توجه به دو مورد مذکور، بهتر بود قانون‌گذار عنوان قانون را به «اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی» تغییر می‌داد.

علت حبس‌زدایی

مجازات در واقع نوعی واکنش اجتماعی در مقابل پدیده مجرمانه است و جامعه برای تنظیم روابط اجتماعی میان مردم و حفظ ارزش‌های اساسی حاکم بر روابطشان ناچار است در مقابل افراد هنجارشکن واکنش نشان دهد. در میان مجازات‌ها، مجازات حبس در سال‌های اخیر به دلایلی مانند داشتن آثار زیان‌بار برای مرتکب جرم، خانواده او و جامعه، عدم بازدارندگی مناسب، هزینه‌های بالای زندان، حرفه‌ای‌تر شدن زندانیان به‌واسطه آموزش‌های زندانیان دیگر و ... مورد انتقاد بسیاری قرار گرفته است و با ارائه پیشنهادهایی سعی در کاهش استفاده از این مجازات را دارد.

برای حبس‌زدایی دو روش وجود دارد؛ روش اول، روش عفو است که خود به دو نوع عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود. ۱۰ در روش دوم، ایجاد تغییرات در قوانین کیفری است که این روش نیز دارای دو رویکرد است. رویکرد نخست به دنبال کاهش عناوین مجرمانه است. بنا بر نظر برخی از اعضای کمیسیون قضایی مجلس دهم، در مجموع ۲۶۰۰ عنوان مجرمانه داریم که این تعداد بسیار زیاد است و باید در آن تجدیدنظر نمود. از

۱- در عفو عمومی که توسط مجلس شورای اسلامی به محکومان اعطا شده و جنبه نوعی دارد به این معنا که رفتار مجرمانه بزهکاران صرفاً نظر از شخصیت آنان مورد نظر قانون‌گذار بوده است. در عفو خصوصی که مستند به بند یازدهم اصل یکصد و دهم قانون اساسی است، مقام رهبری پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه اقدام به عفو برخی از محکومین می‌نماید. در این دو مورد، فقط حبس‌زدایی با رعایت شرایطی مدنظر بوده است.